

نشریه علمی
پژوهشنامه ادبیات تعلیمی
سال چهاردهم، شماره پنجاه و سوم، بهار ۱۴۰۱

بررسی مضامین تعلیمی در مثنوی ناشاخته ظهیر کرمانی

دکتر پری مالملی - دکتر احمدرضا یلمه‌ها - دکتر پریسا داوری

چکیده

مثنوی ظهیر کرمانی یکی از آثار گرانسنگ سده دوازدهم هجری است که سرشار از آموزه‌های تعلیمی است و تاکنون به زیور چاپ آراسته نشده است. این منظومه سرشار از مضامین و معانی تعلیمی و حکمی است که شاعر به اقتضای زمینه انفعالی و ذوقی به کار برده است و هرکجا مجال یافته به بند و اندرز مخاطب پرداخته است. نگارندگان بر آن شدند تا در پژوهش حاضر براساس روش اسنادی - کتابخانه‌ای، برای نخستین بار به بن‌مایه‌ها و زمینه‌های تعلیمی و اخلاقی در این منظومه غنایی بپردازند. مهم‌ترین پرسش در پژوهش حاضر این است که آیا ردّ پای افکار و عقاید مذهبی سراینده در این اثر مشهود است و آیا افزون بر اخلاق فردی به اخلاق اجتماعی در این اثر نیز توجه شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که سراینده در مکتب شیعه پرورش یافته است و آبخور تفکرات وی از مکتب شیعه و آیات و احادیث اهل بیت عصمت و طهارت سرچشمه می‌گیرد؛ این تفکرات به‌روشنی در اشعار وی نمود یافته است. همچنین او افزون بر ابعاد اخلاق فردی، به بعد اجتماعی اخلاق نیز در این اثر توجه داشته است.

واژه‌های کلیدی

ظهیر کرمانی، ادبیات تعلیمی، اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی

— عضو هیأت علمی واحد باغملک، دانشگاه آزاد اسلامی، باغملک، ایران (نویسنده مسؤل)
pari_malmoly@yahoo.com

— استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران
ayalameha@dehaghan.ac.ir

— استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران
parisa.davarii@gmail.com

تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۱۲/۱۸

تاریخ وصول ۱۴۰۰/۹/۱۰

۱- مقدمه

تعلیم و تربیت همواره یکی از نخستین دغدغه‌های بشر بوده و اصولاً رسالت پیامبران و نقش آن‌ها در زندگی انسان‌ها برای رسیدن به این هدف بوده است. به تدریج با پیدایش و تکامل ادبیات و تقسیم آن به انواع مختلف، بسیاری از ادیبان بر آن شدند تا با درآمیختن ادب و آموزه‌های پرورشی، راه را برای رسیدن به این امر هموار کنند. بدین ترتیب ادب تعلیمی شکل گرفت؛ بنابراین منظور از ادبیات تعلیمی، ادبیاتی است که نیک‌بختی انسان را در بهبود منش اخلاقی او می‌داند و خود را متوجه پرورش قوای روحی و تعلیم اخلاقی انسان می‌کند.

شاعران از دیرباز در اشعار خود به دنبال تعلیم و آموزش به مخاطب خود بوده‌اند. به نظر می‌رسد که شاعران فارسی‌زبان در سرودن شعر تعلیمی متأثر از اندرزنامه‌هایی باشند که قبل از اسلام در دوران ساسانیان نوشته شده است. آفرین‌نامه اثر بوشکور بلخی و کلیله و دمنه منظوم رودکی - که بیت‌هایی پراکنده از آن‌ها باقی مانده است - از قدیم‌ترین نمونه منظومه‌های تعلیمی است که در زبان فارسی دری برجای مانده است؛ اما نخستین اثر منظوم و مستقل فارسی در اخلاق، پننامه/نوشیروان است که بدیعی بلخی (معاصر سلطان مسعود) آن را سروده است.

در شعر فارسی، رودکی (شاعر قرن چهارم) نخستین شاعری است که قطعاتی در وعظ و حکمت از او باقی مانده است. از معاصران او می‌توان به شهید بلخی، ابوشکور بلخی و دقیقی طوسی اشاره کرد (شمیسا، ۱۳۸۹: ۲۶۹). این موضوع در ادبیات فارسی با فردوسی، کسایی و ناصر خسرو ادامه می‌یابد (صفا، ۱۳۸۶: ۹۹). از اوایل قرن ششم هجری، سنایی غزنوی باب جدیدی را در سرودن اشعار حکیمانه و عارفانه باز می‌کند. وی معانی حکمی و عرفانی را آمیخته با اندرز و نصیحت با عبارات فصیح و خیالات عالی و تعبیرات کم‌نظیر همراه می‌آورد (رزمجو، ۱۳۷۴: ۷۹-۸۲). پس از سنایی، شاعران و عارفان دیگری مانند عطار، مولانا و... این راه را ادامه می‌دهند. در واقع آنچه باعث رونق و شکوفایی و دوام ادبیات تعلیمی شد، شکل‌گیری عرفان و تصوف در فرهنگ ایران بود. عارفان که فرهنگ کناره‌گیری از دنیا را پیش گرفته بودند، پیوسته انسان‌ها را به

ناپایداربودن دنیا و گذرابودن لذت‌ها و غم‌های آن متوجه می‌کردند؛ بنابراین عرفان عمده‌ترین سهم را در ادبیات تعلیمی ایران دارد (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۳۲).

مواعظ و نصایح و معانی ادب تعلیمی در گونه‌ها و قالب‌های گوناگون شعر فارسی نمود می‌یابد و ویژه نوع خاصی از قالب شعری نیست. یکی از جلوه‌گاه‌های مضامین پندگونه و تعلیمی، ادبیات غنایی و به‌ویژه عاشقانه است که به حقیقت باید آنها را گونه‌ای از اشعار غنایی - تعلیمی به شمار آورد. یکی از آثار ناشناخته مثنوی گران‌سنگی است که ظهیر کرمانی در سده دوازدهم هجری سروده است. یگانه نسخه خطی این اثر (مشمول بر ۸۷۴۳ بیت) دست‌نوشته‌ای است که به شماره ۹۵۳۰ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود. تنوع موضوعات مجموعه بر اهمیت و ارزش آن افزوده است. بررسی این مجموعه نفیس - که تاکنون به زیور طبع آراسته نشده است - نشان می‌دهد که سراینده در این مثنوی، از اهمیت تعلیم آموزه‌های اخلاقی غافل نشده است و در اشعار خود، موضوعات اخلاقی و تعلیمی برگرفته از حکمت نظری و عملی را به مخاطب گوشزد می‌کند. بر همین اساس در پژوهش حاضر نگارندگان بر آن‌اند تا مؤلفه‌های تعلیمی را در مثنوی ظهیر کرمانی بررسی کنند.

۱-۲ شناخت ظهیر کرمانی

ظهیر کرمانی از سراینده‌گان کمترشناخته شده سده دوازدهم هجری است. وی از شاعران خطه کرمان است که علاقه‌ای به شهرت نداشته است و شاید دلیل ناشناخته‌بودن او نیز همین مسئله باشد؛ در نتیجه در تذکره‌ها و متون تاریخی شرح حالی از وی ذکر نشده است. تنها با اتکا به متن مثنوی ظهیر می‌توان اطلاعات اندکی از او به دست آورد؛ از جمله اینکه شاعری شیعی مذهب بوده و در جای‌جای اثر خود ارادت خویش را به پیامبر اکرم و اهل بیت عصمت و طهارت ابراز داشته؛ نیز در ضمن بیان مطالب، به‌ویژه موعظه‌های اخلاقی، به آیات قرآن و سخنان بزرگان دین استشهاد کرده است. ظهیر همچنین با علوم زمان مانند اخلاق، عرفان، ادبیات و... آشنایی داشته و دانش وی در این علوم در اشعارش نمود یافته است. پنج اثر از سراینده با عنوانهای «منوهر و دمالت، گلشن ظهور، مجمع‌البحرین و وامق و عذرا و مثنوی بی‌نام» به یادگار مانده است که

اسدالله شهریاری مثنوی *وامق و عذرا* را در سال ۱۳۷۰ تصحیح کرد و به چاپ رسانید. بقیه آثار او تاکنون در غبار نسیان و فراموشی قرار گرفته است.

۳-۱ پرسش‌های پژوهش

- ۱) آیا اعتقادات و تفکرات مذهبی سراینده در مضامین اخلاقی مثنوی ظهیر تأثیر داشته است؟
- ۲) آیا سراینده در بیان مضامین اخلاقی به آیات و احادیث و سخنان بزرگان استشهاد کرده است؟
- ۳) آیا سراینده علاوه بر بُعد اخلاق فردی، ابعاد اخلاق اجتماعی را در بیان مضامین اخلاقی مدنظر قرار داده است؟
- ۴) آیا سراینده در تبیین آموزه‌های تعلیمی به شگردهای مختلف بیان مطالب آگاه بوده است؟

۴-۱ روش پژوهش

نگارندگان در پژوهش حاضر پس از بازخوانی و خوانش سطر به سطر دست نوشته یادشده با استفاده از روش اسنادی - کتابخانه‌ای به استخراج مطالب و مضامین اخلاقی اثر یادشده پرداختند.

۵-۱ پیشینه پژوهش

ظهیر کرمانی و آثار وی آنچنان که باید و شاید هنوز شناخته نشده‌اند و پژوهش‌های بسیاری در باب این سراینده و آثار وی صورت نگرفته است. بررسی‌ها نشان داد که تاکنون فقط چهار پژوهش درباره‌ی ظهیر و آثار وی انجام شده است که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود:

- ۱) محمودی و رستمی در مقاله‌ای با عنوان «منوهر و دمالت» (۱۳۹۸) به معرفی این اثر از آثار ظهیر کرمانی پرداخته‌اند.
- ۲) محمودی و رستمی همچنین در مجله‌ی *زیباشناسی ادبی*، در مقاله‌ای با عنوان «زیبایی‌شناسی منوهر و دمالت» (۱۳۹۸) اثر مذکور را از جنبه‌ی زیباشناسی بررسی کرده‌اند.
- ۳) بساک و بیگم سید عصایی، در مقاله‌ای که در مجله‌ی *پژوهش‌های ادبی و بلاغی*

منتشر کردند (۱۳۹۶)، ضمن معرفی *وامق و عذرای ظهیر* به مقایسه آن با *زهر و مزهر* حکیم نزاری قهستانی پرداخته‌اند.

۴) امیدوار مالملی (۱۳۹۷) نیز در مقاله‌ای با عنوان «مختصری از ارسال‌المثل در مثنوی تازه‌یافته ظهیر کرمانی»، به بررسی تمثیل در این اثر پرداخته است.

۵) پری مالملی در مقاله‌ای با عنوان «مضامین اخلاقی در مثنوی تازه‌یافته ظهیر کرمانی» (۱۴۰۰)، به بررسی مضامین اخلاقی و نکاتی پرداخته است که به عزت نفس انسان و رسیدن وی به کمال انسانی کمک می‌کند.

نتایج بررسی‌ها بیانگر آن است که تاکنون پژوهشی که به‌طور ویژه به بررسی مضامین تعلیمی در مثنوی ظهیر بپردازد، صورت نگرفته است و پژوهش حاضر در نوع خود نخستین گام به شمار می‌رود.

۲- معرفی دست‌نوشته اثر

تنها دست‌نوشته منحصربه‌فردی که از مثنوی ظهیر وجود دارد، نسخه‌ای است که با شماره ۹۵۳۰ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود و مشتمل بر ۸۷۴۳ بیت است. این دست‌نوشته را کاتبی ناشناس در سده دوازدهم هجری در ۲۶۵ صفحه هفده سطری به خط نستعلیق کتابت کرده است. صفحات پایانی نسخه دارای تحشیه است. نسخه با این بیت آغاز می‌شود:

از یمن بنهاد رو اندر حجاز شاه دین در ملک یثرب رفت باز
(نسخه خطی: ۱)

و با این بیت پایان می‌یابد:

جای بلبل نیست غیر از بوستان قوت طوطی شکر هندوستان
(همان: ۸۷۴۳)

۳- مضامین تعلیمی

تعلیم و تربیت از دیرباز یکی از دغدغه‌های اصلی بشر به‌ویژه اندیشمندان، شاعران و ادبا بوده است؛ از این‌رو بزرگان ادب را بر آن داشته است تا در ضمن آثار خود به این مهم بپردازند و مخاطبان خود را در مسیر سعادت و رستگاری رهنمون کنند و زمینه رشد

اخلاقی و تربیتی آن‌ها را فراهم آورند. به همین سبب گاه آثاری خلق کرده‌اند که تعلیم و تربیت انسان‌ها در بطن آن قرار دارد و به‌طور صریح و بی‌پرده مخاطب را به ارزش‌های اخلاقی رهنمون می‌کنند؛ گاهی نیز با زیرکی خود به ماهیت تلخ و ناخوشایند نصیحت و موعظه توجه داشته‌اند و کوشیده‌اند ضمن تقویت عاطفه زیبادوستی، در لفافه و به‌طور غیرمستقیم فضایل و ارزش‌های اخلاقی را برای مخاطب خود درونی کنند.

مثنوی ظهیر یکی از آثار ارزشمند حکمی - عرفانی است که شاعر در جای جای این اثر به تعلیم و تربیت مخاطب اهمیت داده و خواننده را به فضایل اخلاقی فراخوانده و از رذایل اخلاقی برحذر داشته است.

در ادامه به بررسی ارزش‌های اخلاقی توصیه‌شده در مثنوی ظهیر کرمانی پرداخته می‌شود.

۴- ویژگی‌های اخلاقی ستوده‌شده در مثنوی ظهیر

۴-۱ غنیمت‌دانستن لحظه‌های زندگی

زودگذر بودن عمر و زندگی باعث شده است که شاعران بر غنیمت‌دانستن دم و صرف زندگی برای کار مفید بسیار تأکید کنند. آنان همواره در اشعار خود به این امر تأکید دارند که زندگی ارزش غم‌خوردن ندارد و باید قدر لحظه‌ها را دانست.

ظهیر نیز از این موضوع غافل نیست و از مخاطب خود می‌خواهد قدر فرصت‌های زندگی را بداند و درگیر گذشته و آینده نباشد؛ بلکه در زمان حال زندگی کند و دم را غنیمت شمرد. وی معتقد است تنها حضرت حق از آینده خبر دارد؛ بنابراین باید با توکل بر خدا زندگی آینده خود را به او سپرد و لحظه‌های زندگی را غنیمت دانست.

هرچه گویی از زمان حال گو	نی ز ماضی، نی ز استقبال گو
نیست ما را قدرتی در بازگشت	زانکه ماضی رفت در پرواز گشت
باز می‌گردند در آن روزگار	چرخ اگر معکوس گردد در مدار
آن که در ماضی و در مستقبل است	در نظر مانند چشم احول است
در طریقت کی خدا را بنده است	منتظر آن کس که در آینده است

زانکه او سرّی است معدوم‌الخبر کس نداند جز خدای دادگر
پس به مستقبل مده اقبال را خود غنیمت دان زمان حال را
(همان: ۵۲۴۲)

ظهیر همچنین به مخاطبان خود توصیه می‌کند که قدر ایام جوانی را بدانند و خود را از چنگال غم و اندوه رها کنند و از نعمت جوانی متنعم شوند و به درستی و صدق و عبادت بپردازند.

حیف از این عمر است و اوقات عزیز کان به هرزه رفت از دست نیز
به که از نخل جوانی برخورداریم غم ز دنیای دنی کمتر خوریم
شد جوانی چون نسیم نوبهار همچو باد صبحگاهی در گذار
(همان: ۴۱۲۴)

بهره گیر از عمر خواهی در شباب در عبادت کوش و در صدق و صواب
(همان: ۴۱۰۳)

۴-۲ توکل به خدا

یکی دیگر از تعالیم تأکیدشده در مثنوی ظهیر توکل داشتن به خداوند در زندگی است. سراینده انسان را از ناامیدی از درگاه خداوند پرهیز می‌دهد و همواره بر امیدداشتن بر او تأکید می‌کند. به نظر او همین نداشتن توکل به خداوند باعث شده است که انسان پیوسته فکر فردا و غم نان فردایش باشد؛ از این رو از مخاطب خود می‌خواهد که به قدرت لایزال الهی اعتماد کامل داشته باشد و در همه امور به او توکل کند تا در دنیا و آخرت سعادت‌مند شود.

ای دل از صبر و توکل رو متاب تا شوی در هر دو عالم کامیاب
(همان: ۳۶۲۰)

سراینده معتقد است هرگاه انسان به حق تعالی توکل کند، در کارهایش گشایش ایجاد می‌شود و به آسانی به نیازهای خود دست می‌یابد.

در توکل رزقت آسان می‌دهند آنچه محتاجی تو را آن می‌دهند
می‌رساند حق تو را وجه معاش پس تو کمتر کن به افزونی تلاش
(همان: ۵۴۱۸)

۳-۴ ستایش قناعت

قناعت یکی از فضایل اخلاقی است که همواره در آثار مذهبی و تعلیمی بر آن تأکید شده است. ظهیر قناعت را ویژگی انسان‌های والامقام می‌داند که زرق و برق دنیا برای آن‌ها بی‌ارزش است و شخصیت انسانی و عزت نفس خود را برای متاع دنیا از دست نمی‌دهند.

در قناعت رشته هموار باش در نفس قانون عمر آثار باش
(همان: ۵۱۵۹)

ظهیر حبّ مال و جاه را سبب کفر و گناه می‌داند و از مخاطب خود می‌خواهد که قناعت را پیشه خود کند. وی قناعت را ناشی از توکل می‌داند و معتقد است اگر انسان به قدرت حضرت حق یقین داشته باشد، قناعت را سرلوحه کارها و اعمال خود قرار می‌دهد و غم فردا را نمی‌خورد.

نیست زرّ غیر از خیال حبّ و جاه و آنچه می‌زاید به جز کفر و گناه
شب چو سیری غم مخور بر بامداد گر تو بر رزاق داری اعتماد
(همان: ۳۴۸۹)

۴-۴ نیکی به همسایه

نیکی به همسایه یکی از آموزه‌های اخلاقی است که ظهیر کرمانی در مثنوی خود بدان پرداخته است. وی همسایه را مانند اعضای بدن انسان می‌داند که سرنوشت اجتماعی آن‌ها به هم مرتبط است؛ بنابراین حقوق همسایه را برمی‌شمارد و مخاطب را به رسیدگی به امور همسایه و نیکی در حق وی فرامی‌خواند.

با تو شد همسایه چون اعضای تو همچو گوش و چشم و دست و پای تو
آنچه در اعضای خود داری پسند در حق ایشان بکن ای هوشمند
(همان: ۴۰۱۸)

ظهیر بیان می‌دارد که باید از بذل جان و مال و موعظه نیک در حق همسایه دریغ نکرد. وی همچنین به مخاطبان خود هشدار می‌دهد که از آزار و اذیت همسایه خودداری کنند؛ زیرا عواقب ناخوشایندی برای انسان در پی دارد:

بذل کن همسایه گر کافر بود پس خصوص آن کس که دین پرور بود

هرکه او بد در حق همسایه خواست
آنچه در چشم تو می‌آید نکو
و آنچه می‌بینی ز ناشایست و بد
گر پریشان هستی از بهر عیال
کرد قطع دست چپ از دست راست
باش در پاداش ایشان شکر گو
پند ایشان ده مگو از غیب و رد
آنچه بتوانی رعایت کن به مال
(همان: ۳۸۹۹)

۵-۴ صبر

صبر از مفاهیم بسیار مهمی اخلاقی است که ظهیر به آن توجه داشته است. در مثنوی ظهیر، صبر نشانه ایمان فرد و داشتن صبر در هنگام بلا و سختی، درجه صدیقان و پیامبران الهی دانسته شده است؛ در واقع صابران در نزد حق تعالی ارزش بسیار زیادی دارند. وی صبر را ناشی از عشق به ذات اقدس الهی می‌داند و معتقد است هرگاه انسان عاشق راستین خداوند باشد، به قضای الهی رضا می‌دهد و در ناملايمات زندگی صبر پیشه می‌کند:

ای که هستی تابع حکم قضا
عشق خواهد منزل صبر و رضا
(همان: ۴۸۱۵)

وی همچنین صبر را ویژگی پیامبران و خاصان درگاه الهی می‌داند:
ای خوشا آن کس که خرسند بلاست
ز آنکه تمکین از شعار انبیاست
(همان: ۴۸۲۲)

ظهیر ضمن برشمردن مقام و منزلت صابران در نزد خداوند بر آن است تا با فراخواندن مخاطب خود به صبر و شکیبایی، شخصیت افراد ناکامل را دگرگون کند و از این‌رو در پی بهترین شیوه انطباق وسیله و هدف است و با دنبال کردن هدفی معین مانع از آن می‌شود که تقدیر جای آن را بگیرد و کوشش و تلاش را بی‌ثمر کند.

۶-۴ علم‌آموزی

دین اسلام بیش از سایر ادیان برای علم‌آموزی ارزش قائل شده است و بارها بشر را به آموختن و ترویج علوم رهنمون می‌کند؛ از این‌رو مسلمانان از همان روزگار اولیه به دنبال کسب علم و دانش بودند که این امر از توصیه‌های قرآن و دین مبین اسلام نشأت

می‌گرفت. قرآن این کتاب آسمانی - که خود اساس علوم اسلامی و اخلاقی است - و همچنین پیامبر اکرم (ص) - در مرتبه نخستین معلم و مربی در تاریخ که تعالیم و احکام دین اسلام را به یاران و صحابه خود می‌آموخت - همگی از عوامل اساسی گرایش و تحرک مسلمانان به آموختن علم و علوم‌آموزی بوده‌اند (رحیمی راغب و قیّم، ۱۳۹۴: ۱۴۸).

در مثنوی ظهیر علم برترین عبادات شمرده شده و به مسلمانان توصیه شده است که در همه احوال علم بیاموزند و به دیگران نیز تعلیم دهند. ظهیر معتقد است که علم زمانی مفید و سودمند است که از قالب تئوری خارج شود و با عمل آمیخته شود.

علم اگر آموزی آور در عمل تارهی از عهدۀ عهد ازل
(نسخه خطی: ۴۸۰۹)

ظهیر همچنین به مخاطب خود هشدار می‌دهد که هرگاه موفق به کسب علم و دانش شد، دچار غرور و خودبینی نشود و دانش خود را تباه نکند.

آن‌گه اندر علم کردی کشف راز فخر کمتر کن، به علم خود مناز
(همان: ۴۹۴۶)

۴-۷ علو همت

همت والا یکی از ویژگی‌های ناب شخصیتی انسان است که در مثنوی ظهیر به آن توجه شده است. سراینده که تفکرات و اعتقادات وی از آبشخور تعالیم بزرگان اسلام و اهل بیت عصمت و طهارت سرچشمه می‌گیرد، به مخاطب خود توصیه می‌کند که بلندهمت باشد و به عالم بالا نظر کند و از وابستگی‌های مادی دامان برچیند تا از این عالم مادی (عالمی دون و بی‌ارزش) عبور کند و به عالم بالا برسد.

باید از پستی نظر بالا کنی
سینه را وسعت دهی همچون سپهر
نیک دانی وسعت افلاک را
از همه دامان همت برزنی
از علایق بگذرانی تار را
روی دل در همت والا کنی
اندر آن دل را بیارایی همچو مهر
سهل گیری باد و آب و خاک را
از دو عالم خیمه بالاتر زنی
بهر خود آسان کنی دشوار را
(همان: ۵۵۹۳)

۸-۴ تواضع

تواضع از فضایل اخلاقی به معنای فروتنی است که ظهیر برای آن ارزش بسیاری قائل است و معتقد است انسان با فروتنی و یاری رساندن به دیگران جاودان خواهد شد و همواره نام نیکوی او باقی خواهد ماند. سراینده بیان می کند که انسان هرگز نباید دچار تکبر شود و در همه حال باید متواضع و یاریگر دیگران باشد.

زندگانی را بقا در پستی است خاک را ز افتادگی این هستی هست
چون عصا شو، مردمان را دستگیر تا نیفتی از نظرها همچو تیر
(همان: ۵۱۷۷)

ظهیر همچنین یادآور می شود که راه سعادت انسان در تواضع و افتادگی است و هرگاه انسان فروتن باشد و به یاری خلق پردازد، خلق حامی و یاور وی می شوند:

خلق پشتیبان شوندت ای فقیر گر کنی افتادگی همچون ظهیر
(همان: ۵۱۸۰)

۵- ویژگی‌های غیراخلاقی نکوهش شده در مثنوی ظهیر

۱-۵ دنیاگرایی

همواره اندیشمندان و افرادی که به سرگذشت انسان و مسیر زندگی وی علاقمند بوده‌اند، به موضوع ناپایداری و بی‌اعتباری جهان، نگاهی عمیق داشته و بدان با دقت اندیشیده‌اند و ارزیابی خردمندانه‌ای از بشر و زندگی او داشته‌اند. ظهیر کرمانی نیز در مثنوی خود بارها سیال و گذرا بودن زندگی و کوتاه بودن عمر انسان نسبت به عمر جهان هستی را یادآور شده است و در کل این موضوع را مانند یک واقعیت تلخ پذیرفته و در اشعار خود پیوسته به بی‌وفایی و ناپایداری دنیا اشاره کرده است. او با پذیرش این واقعیت، حکمت و موعظه‌های بسیاری را برای سعادت بشر فرا روی مخاطبان خود قرار داده است. توصیفاتمانند داماد هزار عروس بودن، فاحشه بودن و... همه بیانگر گذرابودن و بی‌وفایی دنیاست و سراینده از آن‌ها برای نشان دادن این مفهوم در اشعار خود استفاده کرده است.

ظهیر دنیا را فریبنده می‌داند که تنها افراد پست و حقیر دلبسته آن می‌شوند و فریب ظواهر آن را می‌خورند؛ از این رو مخاطب خود را از دلبستگی به دنیا برحذر می‌دارد:

ای به دام شاهد دنیا اسیر
نی خیال طبع نظم آراست این
گرچه او باشد جمیل و عشوه‌گر
طالقانش شیر مردان‌اند امین
لاجرم مانند بکر است آن هنوز
آن که از وی دور می‌گردد ولی
گر بدانی زین حکایت پند گیر
بل مثال شاهد دنیا است این
کس ز آغوشش نگردد بهره‌ور
طالبانش جمله نامرد و عنین
هیئت دوشیزگان دارد هنوز
آن امیر و سرور مردان علی است
(همان: ۱۰۳۲)

او همچنین دنیا را بازیچه‌ای می‌داند که تنها افراد غافل و ظاهرین گرفتار این بازی بیهوده و پوچ می‌شوند؛ اما خردمندان در دام دنیا اسیر نمی‌شوند.

پند می‌گیرند از آن کاراگهان
غیر بازی نیست اسباب جهان
(همان: ۴۲۷۵)

وی همچنین برای تبیین بهتر بی‌وفایی دنیا، حکایت مرد عنین با زن فاحشه را بیان می‌کند که تمثیلی از نوعروس دنیا است و در پایان، خود به این مسئله اشاره می‌کند که دام دنیا تنها بر پای نامردان و ظاهرینان است.

چند غم از بهر دنیا می‌خوری
دست بردار ای پسر پا می‌خوری
شاهد دنیا قرارت می‌برد
بهر کار خود ز کارت می‌برد
او شکیت می‌برد ای ناشکیب
شیرمردان کی خورند از او فریب
هرکه مرد است از جهان دارد گریز
هرکه نامرد است با او در ستیز
نوعروسی بکر و با زیب و فرّ است
هرکه نامرد است او را شوهر است
(همان: ۹۹۴)

تأکید بر گذرابودن زندگی و اهمیت غم‌نخوردن برای آن در بین مفاهیم مثنوی ظهیر بیشترین سهم را از آن خود کرده و شاعر هرکجا مجال یافته است، گریزی به این موضوع زده و خطر وابستگی به آن را گوشزد کرده است.

۲-۵ مکر و حيله

مکر و حيله از جمله گناهان کبیره‌ای است که دین اسلام به شدت آن را نهی کرده است. ظهیر کرمانی نیز به پیروی از آیات قرآن و احادیث بزرگان دین، مخاطبان خود را

از حيله و نيرنگ بر حذر می‌دارد و به آن‌ها هشدار می‌دهد که کيد و نيرنگ، فضیحت و رسوایی به بار می‌آورد؛ از این‌رو باید انسان از این رذیلت اخلاقی دوری کند.

بگذر از صیادی کید ای دغل
جز فضیحت نیست در مکر و حیل
پیر زال دهر در شیادی است
در کمین صید در صیادی است
پخته پخته عاقبت خامت کند
ترسم از یک وسوسه رامت کند
چون به دام آورد و کردت سازگار
نیل بدنای کشیدت در کنار
(همان: ۱۶۴۳)

او همچنین تزویر و حيله را از صفات شیطان می‌داند و از این‌رو انسان باید از این ویژگی دوری کند.

از خدا اندیشه کن در این حدیث
بگذر از تلبیس ابلیس خبیث
(همان: ۴۱۰۵)

ظهیر همچنین با استشهاد به آیه «مکروا و مکر الله إن الله خیر الماکرین» به مخاطبان خود هشدار می‌دهد که همواره خداوند ناظر بر اعمال انسان‌هاست و بهترین مکرکنندگان است؛ از این‌رو اگر به نیرنگ پردازند، عقوبتی سخت در انتظار آن‌ها خواهد بود و کیفر اعمال خود را خواهند دید.

عاقبت پاداش اهل مکر و کین
حق دهد و الله خیر الماکرین
(همان: ۱۹۹۳)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۳-۵ حرص و طمع

یکی دیگر از مفاهیم اخلاقی تأکیدشده ظهیر در مثنوی، پرهیز از حرص و طمع است. وی بستن درهای این رذیلت اخلاقی را باعث پرواز انسان به اوج خوبی‌ها و پاکی‌ها می‌داند. سراینده مخاطبان خود را از حرص و طمع بر حذر می‌داند و معتقد است که طمع، انسان را به حزیض ذلت می‌کشاند و سبب می‌شود که شخص برده مال و متاع دنیوی شود و برای ارضای این حس نفسانی از هیچ کار ناپسندی مانند دست‌درازی و تجاوز به مال و جان هم‌نوعان، ظلم به دیگران و... خود فروگذار نمی‌کند.

ای لئیم از حبّ زر بر تو فسوس
چند باشی همچو ماهی با فلوس

روز تا شب از برای درهمی
تا به کی ناخوانده آیی ای خسیس
مال مردم را نه‌ای بیزار از آن
آن که کار خویش از آن خواهد رواج
ای گران‌جان همچو درهم، درهمی
همچو سگ در کوی مردان کاسه‌لیس
چون گرفتی می‌کنی انکار آن
تا ابد دارد به مردم احتیاج
(همان: ۱۳۶۵)

ای که دائم مال مردم می‌خوری
گر غسل می‌گیری از جور و جفا
از کسی گیری اگر مالی به زور
درحقیقت مار و کژدم می‌خوری
نشر زنبور هست اندر قفا
می‌بری با خود وبالی را به گور
(همان: ۱۳۶۸)

وی طمع در مال و ثروت دیگران را ناشی از زوال عقل می‌داند؛ زیرا انسان خردمند هرگز به سبب طمع در متاع ناچیز دنیوی، سعادت دنیوی و اخروی خود را تباه نمی‌کند.
تا یکی راه خرد گم می‌کنی
دعوی اندر مال مردم می‌کنی
(همان: ۵۴۲۰)

او همچنین بیان می‌کند که انسان باید از طمع رویگردان شود و اموال دیگران را به آن‌ها بازگرداند تا در لطف و رحمت الهی قرار گیرد.
حق مردم را به اهل آن سپار
تا بیایبی اجر آن از کردگار
(همان: ۳۶۲۰)

۴-۵ حرام‌خواری

مثنوی ظهیر به اقتباس از تعالیم بزرگان دین اسلام برای کار و تلاش و کسب روزی حلال اهمیت بسیاری قائل است و معتقد است که کار و تلاش در جهت امرار معاش خانواده و اطرافیان از ارزشمندترین عبادات به شمار می‌رود. او با استشهاد به آیات و احادیث بیان می‌دارد که باید از حرام دوری گزید؛ زیرا رزق و روزی که از راه نادرست و حرام به دست آید، سبب هلاک فرد می‌شود.

آن که خود را پرورش داد از حرام
گر خورد یک لقمه عابد شبهه‌ناک
می‌زند در راه دین بیهوده گام
تا قیامت وارهد خود را هلاک
(همان: ۲۰۰۲)

وی با اینکه انسان را به تلاش برای امرار معاش خانواده دعوت می‌کند، به مخاطب یادآور می‌شود که روزی‌دهنده حضرت باری تعالی است و به هرکس روزی مقرر را عطا می‌کند؛ پس تلاش بیش از حد برای کسب روزی بیشتر بیهوده است.

ای قناعت پیشه همت شعار
آن که او را دولت و فیروزی است
روزی از هر تلخ و شورت می دهند
روز قسمت قاسم رزق عباد
تا به هم بر بسته شد رزق و نفس
قسمت کس را مجو ای ناشکیب
رنج بیهوده مبر ای بوالهوس
از تو گل دست از همت مدار
می‌رساند آنچه او را روزی است
گر نمی‌خواهی به زورت می‌دهند
هرکسی را آنچه می‌بایست داد
و آن نگیرد رزق را از هیچ کس
کی به دست آری گرت نبود نصیب
روزی کس را نخواهد خورد کس
(همان: ۳۳۸۶)

او همچنین بیان می‌کند که روزی انسان‌ها در ازل مقرر شده است و کسی نمی‌تواند روزی دیگران را تصاحب کند.

شب چو سیری غم مخور از بامداد
آنچه قسمت داری از مال و درم
گر تو بر رزاق داری اعتماد
کی در آن تیمار گنجد بیش و کم
(همان: ۳۴۹۰)

۵-۵ نکوهش فقر

فقر و نابرابری‌های اقتصادی یکی از معضلات اجتماعی است. ظهیر نگاهی منفی به فقر دارد و معتقد است که فقر و احتیاج مادی بسیار دردناک است و سبب حقارت فرد می‌شود؛ بنابراین مرگ را بسی بهتر از چنین زندگی همراه با عذابی می‌داند.

وای بر مسکین محتاج فقیر
مرگ بهتر از سرافکندن به زیر
(همان: ۳۵۰۷)

شاعر فقر را غارتگر دین و دنیای انسان می‌داند؛ نیز نیازمندی به دیگران را عامل لغزش انسان در حقیض ذلت و گناهان می‌داند. وی همچنین بیان می‌کند که انسان از تأمین نیازهای خود ناگزیر است؛ بنابراین داشتن حدی از امکانات برای فرد ضروری است.

آن که دین را برد و ایمان را رواج
 کی غنی گردی به مرگ ای نیک زن
 احتیاج است احتیاج است احتیاج
 مرده را هم نیز می‌باید کفن
 (همان: ۳۵۱۱)

۶۵ نکوهش مال دوستی (حب مال)

مال دوستی در نگرش قرآن کریم عبارت است از تعلق قلبی شدید به مال در حدی که جمع آن از راه حلال و حرام برای فرد تفاوت نکند و فرد بپندارد که مالش او را جاودانی می‌بخشد و این تعلق، مانع انفاق مال در راه خدا و یاد خدا و آخرت باشد (رک. همزه: ۲-۳). شاعران و نویسندگان مسلمان به پیروی از آیات قرآن و احادیث بزرگان دین، پیروان خود را از مال دوستی برحذر داشته‌اند. ظهیر کرمانی نیز در مثنوی خود مخاطبان را از حبّ مال نهی کرده و حبّ مال و جاه دنیوی را سبب گناه دانسته است.

نیست زر غیر از خیال حبّ و جاه
 و آنچه می‌زاید به جز کفر و گناه
 (نسخه خطی: ۳۴۸۹)

وی همچنین با اشاره به این نکته که انسان با زندگی خداپسندانه سعادت اخروی را نصیب خود خواهد کرد، بیان می‌دارد که زرپرستی و حبّ مال و ثروت دنیایی کاری نکوهیده و به دور از خرد است.

چون به دنیا آخرت آید به دست
 عیب نبود گر تو باشی زرپرست
 ظهیر با اشاره به این نکته که انسان سرانجام از دنیای فانی رخت برخواهد بست و به ناچار به جز کفن چیزی از این دنیا با خود نخواهد برد، انسان را از مال دوستی و کسب مال حرام برحذر می‌دارد.

جمع می‌سازی به دست خود مدام
 عاقبت بگذاری‌اش چون بگذری
 گر حلال افتد به دستت یا حرام
 زانکه او بوده است مال دیگری
 چند باشی بر سر این ملک و مال
 از برای دیگران اندر جدال
 چون بمیری می‌برندت سوی گور
 می‌بری با خود کفن اندر ضرور
 (همان: ۵۴۲۹)

سراینده یکی از پیامدهای مال دوستی را خست می‌داند و به مخاطب گوشزد می‌کند که اگر مال و ثروتی داری، به آن دل نبند و در راه یاران و دوستان خرج کن تا این مال

وبال گردن تو نباشد؛ بلکه سبب جلای روح تو شود.

در بغل می‌پروری خشت طلا قصر دل کی یابدت از وی جلا
آنچه در انبار داری ای رفیق صرف کن در راه یاران شفیق
(همان: ۳۰۹۵)

وی در ضمن توصیه به بذل مال و ثروت، خطر اسراف را نیز یادآور می‌شود و بیان می‌کند که اگرچه مال دوستی و بخل ویژگی ناپسندی است، اسراف نیز مذموم و ناشایست است و سبب پریشان‌حالی و آشفتگی امور می‌شود.

گر گناه در بخل نبود شوم‌تر لیک اسراف است از او مذموم‌تر
(همان: ۳۵۰۲)

شد ز اسراف تو چندین هرج و مرج ورنه من کی کردمی این نقد خرج
(همان: ۳۶۱۵)

جدول شماره ۱: آموزه‌های اخلاقی - تعلیمی مثنوی ظهیر کرمانی

پربسامدترین مضامین اخلاقی - تعلیمی به‌کاررفته در مثنوی ظهیر	
ویژگی‌های غیراخلاقی نکوهش‌شده در مثنوی ظهیر	ویژگی‌های اخلاقی ستوده‌شده در مثنوی ظهیر
بی‌وفایی دنیا	غنیمت‌دانستن لحظه‌های زندگی
مکر و حيله	توکل به خدا
حرص و طمع	قناعت
حرام‌خواری	نیکی به همسایه
فقر	صبر
دورویی و ریا	علم‌آموزی
حب دنیا	علو همت
	تواضع

افزون بر مضامین اخلاقی مذکور، آموزه‌های اخلاقی دیگری نیز در مثنوی ظهیر وجود دارد؛ اما بسامد آموزه‌های بالا بیشتر است و ظهیر بر آنها تأکید بیشتری داشته است.

۶- نتیجه‌گیری

مثنوی ظهیر از جمله آثار ارزشمند زبان فارسی است که سرشار از مضامین اخلاقی است؛ در سراسر این اثر هرکجا سراینده مجال یافته است از پند و موعظه مخاطبان

فروگذار نکرده و عبارت‌های بسیاری در حقیقت جویی، کمال انسانی، علم و اعتقاد و... بیان کرده است.

سراینده در این مثنوی در بیان مفاهیم اخلاقی گاه به شیوه ایجابی و گاه به روش سلبی عمل کرده است؛ به عبارت دیگر ظهیر در مثنوی خود، برخی از آموزه‌های اخلاقی را ستوده و برخی از مفاهیم ضد اخلاقی را نکوهش کرده و مخاطب را از آن برحذر داشته است.

بررسی مضامین اخلاقی مثنوی یادشده نشان می‌دهد که برخی از این مفاهیم، ویژگی‌های اخلاقی فردی و برخی اجتماعی هستند. البته اغلب مضامین فردی هم در راستای زندگی اجتماعی است.

سراینده در اثر مذکور بیش از سایر مفاهیم اخلاقی، غنیمت دانستن عمر، توکل بر خدا، قناعت، صبر، علم آموزی، همّت والا، تواضع و... را ستوده است. همچنین با استفاده از حکایات و داستان‌ها قبح مکر و حيله، حرام خواری، فقر، دورویی، حبّ دنیا، حرام خواری و... را بیان کرده و توجه مخاطب را به پیامدهای سوء این خصلت‌ها معطوف کرده است.

اغلب آموزه‌های تعلیمی به کاررفته در مثنوی ظهیر، عبادی، حکمی، فقهی، اخلاقی و... است و سراینده کوشیده است از هر مجالی برای تعلیم این آموزه‌های ارزشمند به مخاطب بهره‌گیرد.

در مجموع می‌توان ادعا کرد که ظهیر با استفاده از تیزهوشی خود توانسته است به اقتضای حال مخاطب، از بهترین روش برای القای مفاهیم اخلاقی در ذهن و ضمیر مخاطب بهره‌گیرد.

منابع

۱. قرآن مجید.
۲. اعتصامی، یوسف (۱۳۱۱)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس، جلد ۲، تهران: مجلس شورای ملی.
۳. بساک، حسن؛ بیگم سید عصایی، فاطمه (۱۳۹۶)، «مقایسه و امتق و عذرای ظهیر

- کرمانی با ازهر و مزهر حکیم نزاری قهستانی»، مجله پژوهش‌های ادبی و بلاغی، شماره ۱۸، ۴۵-۵۳.
۴. جهانبخش، جويا (۱۳۸۴)، راهنمای تصحیح متون، تهران: میراث مکتوب.
۵. درایتی، مصطفی (۱۳۹۰)، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۶. رحیمی راغب، مهین؛ قیّم، بهادر (۱۳۹۴)، «جایگاه علم و علم آموزی در اسلام»، جندی‌شاپور، سال اول، شماره ۳، ۴۰-۴۸.
۷. رزمجو، حسین (۱۳۷۴)، انواع ادبی و آثار آن، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
۸. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۶)، زمینه اجتماعی شعر فارسی، تهران: اختران و زمانه.
۹. شمیسا، سیروس (۱۳۸۹)، انواع ادبی، تهران: فردوس.
۱۰. صبحی، صالح (۱۳۸۷)، نهج البلاغه، قم: مرکز البحوث الاسلامی.
۱۱. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۶)، تاریخ ادبیات ایران؛ تهران: فردوس.
۱۲. ظهیر کرمانی، نسخه خطی مثنوی، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۹۵۳۰.
۱۳. مالملی، امیدوار (۱۳۹۷)، «مختصری از ارسال‌المثل در مثنوی تازه یافته شده ظهیر کرمانی»، تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب پارسی، شماره ۳۸، ۹۷-۱۲۰.
۱۴. محمودی، مریم؛ رستمی، رقیه (۱۳۹۸)، «دمالت و منوهر»، مطالعات شبه‌قاره، شماره ۳۷، ۶۴۵-۶۰.
۱۵. _____ (۱۳۹۸)، «بررسی زیباشناسی منظومه منوهر و دمالت ظهیر کرمانی»، زیباشناسی ادبی، شماره ۴۰، ۱-۲۲.
۱۶. مشرف، مریم (۱۳۸۸)، جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران، تهران: سخن.
۱۷. یلمه‌ها، احمدرضا (۱۳۹۵)، «بررسی خاستگاه ادبیات تعلیمی منظوم و مثنوی»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی دهقان، سال هشتم، شماره ۲۹، ۶۱-۹۰.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی